

«شرق» تعطیلی و تغییر کاربری

مطرح‌ترین سینماهای پایتخت را بررسی می‌کند

فراموشی بخشی از خاطره جمعی

شرق: «سینماهای «پارس» و «مرکزی» واقع در میدان انقلاب تهران، درحال حاضر تعطیل هستند و مالکان آنها به تازگی مجوز تغییر کاربری آن را دریافت کرده‌اند و غیر از این دو سینما، پنج سینمای «حافظ»، «عصر جدید»، «اروپا»، «استیل» و «سعدی» دیگر سینماهای پایتخت هستند که انجمن سینماداران نامه تغییر کاربری آنها را به ارشاد ارسال کرده و مورد موافقت قرار گرفته‌اند.

صفحه ۱۱

سرمقاله

جامعه چطور دچار زوال می‌شود؟



احمد غلامی

جامعه ایران این روزها، دوران پرتلاطمی را پشت سر می‌گذارد؛ بدبختی است که این وضعیت حاصل دو، سه ماه اخیر نیست. این شرایط نمره نادیده‌انگاشتن دو مقوله اساسی «حوزه عمومی» و «جامعه مدنی» است. حوزه‌های بسیار مهمی که در جوامع مدرن نابسامانی‌ها را سامان می‌دهند. اگر پیش از این دغدغه کنشگران مدنی و سیاسی احیای جامعه مدنی بود و نگران فروپاشی اساسی آن از دوره احمدی‌نژاد بودند، اینک باید گفت طبق سنت جامعه سیاسی ایران این نگرانی رنگ باخته و جایش را به نگرانی بزرگ‌تری در بحران حوزه عمومی داده است. حوزه عمومی مستقیم با قانون و قانون‌گذاری، دموکراسی و انتخابات و مجلس روبه‌رو است. این حوزه در یک کلام به دموکراسی و حیات دولت معنا می‌دهد. حوزه عمومی، «حوزه رسمی» گردش قدرت بین جامعه و دولت است و جامعه مدنی حوزه «غیررسمی» این گردش قدرت است. با فروپاشی جامعه مدنی که در دولت احمدی‌نژاد با غرور و افتخار کلید خورد، خاکریزهای جامعه مدنی یکی پس از دیگری فروریخت و بانیان و فعالان سیاسی آن منزوی یا متواری شدند و برخی به زندان افتادند. حاصل این استراتژی چیزی نبود جز وانهادن دولت‌ها در برابر حوزه عمومی. حوزه عمومی باورهای عمومی و اراده جمعی را از طریق انباشت منافع و هم از طریق کشف هویت مشترک ایجاد می‌کند. حوزه عمومی به نهادهای جامعه مدنی تکیه دارند. به تعبیر هابرماس «هسته مرکزی نهادی جامعه مدنی، ارتباطات غیردولتی، غیراقتصادی و انجمن‌های داوطلبانه‌ای را در بر می‌گیرد که ساختارهای ارتباطی حوزه عمومی را به مؤلفه زیست‌جهان متکی می‌کند. جامعه مدنی ترکیبی است از انجمن‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های خودجوش و دارای شکل سازمانی مساوات‌طلبانه و باز که ویژگی ذاتی ارتباطی که پیرامون آن متبلور می‌شود را منعکس می‌کند». اینک در اعتراضات در دانشگاه، در بازار و در سطح جامعه، جای خالی نهادهای مدنی کاملا هویدا است. نهادهایی که اگر فرصت یافته و بایلیده بودند، اینک اثرپذیری و اثرگذاری آنان انکارناپذیر بود. اثرگذاری‌ای کنه به جنبش‌های مدنی مسیر عقلانی‌تری را نشان می‌داد و مانع هرگونه تنش‌های غیرعقلانسی یا عقلانیت ابزاری می‌شد؛ اما چون جناح‌های سیاسی اصلاح‌طلب از جامعه مدنی سخن گفتند و درمحد بودند با تقویت این نهادها در قدرت بمانند، این باور را در مخالفان خود ایجاد کرده بودند که برای به قدرت رسیدن و ماندن در قدرت باید جامعه مدنی را از بین برد؛ چراکه آنان می‌پنداشتند می‌توانند به‌راحتی حوزه عمومی را با قواعد و قوانین کنترل کنند و «زیست‌جهان» را به کنترل خود درآورند. غافل از اینکه جامعه مدنی می‌تواند در نظام سیاسی اثر بگذارد؛ اما نمی‌تواند خودش محل قدرت سیاسی باشد. اهمیت جامعه مدنی در این است که از طریق حوزه عمومی می‌تواند «قدرت ارتباطی» را به قدرت اجرایی برگرداند. اینک قدرت ارتباطی همان توانی است که از دست رفته است و بین معترضان و مخالفان آنان دیگر کنش ارتباطی وجود ندارد. اگر جامعه مدنی وجود داشت، حوزه عمومی این‌گونه متلاطم نمی‌شد؛ چراکه نسل تازه‌ای که پا به عرصه سیاست گذاشته بود می‌توانست از طریق نهادهای مدنی با دولت‌ها و مجریان و قانون‌گذاران آن کنش ارتباطی ایجاد کند. هابرماس در این زمینه می‌گوید: «مایلم از این ادعا دفاع کنم که در شرایط خاصی جامعه مدنی می‌تواند بر حوزه عمومی نفوذ کند. از طریق باورهای عمومی خاص خودش بر پارلمان و دادگاه‌ها اثرگذار باشد و نظام سیاسی را مجبور کند به چرخش رسمی قدرت تن دهد». این امر مستلزم فهم مشترک از زبان است؛ اما آنچه این روزها همه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که در جامعه سیاسی زبانی که معطوف به فهم مشترک باشد، وجود ندارد. هابرماس اظهارات زبانی را به سه نوع دسته‌بندی می‌کند: اظهارات «بیانی» که همان زبان رسانه و اطلاع‌رسانی است. اظهارات «غیربیانی» که با بیان آن گویا کاری را انجام می‌دهیم؛ یعنی نوعی کنش‌گری در زبان وجود دارد. این نوع زبان بیانی است که جامعه باید از طریق آن با قدرت به فهم مشترک دست یابد. اظهارات «پس‌بیانی» نیز به چیزی اشاره می‌کند که ما از طریق یا به وسیله گفتن آن کاری را انجام می‌دهیم. مثلا با تهدیدکردن نتیجه و هدف خاصی را به دست خواهیم آورد. به اظهارات «پس‌بیانی»، زبان استراتژی یا زبان خرد ابزاری نیز می‌گویند. نزد هابرماس، جنبه غیربیانی زبان اهمیت فراوانی دارد؛ چون او باور دارد جنبه غیربیانی برای تثبیت روابط هنجاری بیشتر لازم است. کنش غیربیانی به فهم متقابل معطوف است؛ اما آنچه این روزها بیان رسمی شده، اظهارات پس‌بیانی است. اظهاراتی که معطوف به هدف و خرد ابزاری است. این نوع بیان در غیاب جامعه مدنی میدان‌دار شده است؛ چراکه جامعه دچار تلاطم‌های سیاسی است و در این تلاطم‌ها اظهارات پس‌بیانی بیش از بیان‌های دیگر به کار می‌آیست می‌آید. بیانی که معطوف به هدف است و برای رسیدن به مقصود از هر قابلیت زبانی به شکل ابزاری سود خواهد برد. اظهارات پس‌بیانی درصدد است زیست‌جهان را به سلطه خود درآورد. به تعبیر هابرماس «چیزی شبیه جامعه بدون کنش ارتباطی امکان‌پذیر نیست. کنش ارتباطی شیوه‌ای برای هماهنگ‌کردن کنش‌ها است و بدون آن جامعه دچار زوال می‌شود و تعامل اجتماعی از بین می‌رود.

ادامه در صفحه ۴



شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ • ۱۵ جمادای‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۰ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۲ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

چینی‌ها با سعودی‌ها در بیانیه‌ای مشترک و با ادبیاتی تقابلی و مورد پسند عربستان، تهران را خطاب قرار دادند

روی دیگر چین

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید



وزیر نفت از نیاز ۲۴۰ میلیارد دلاری صنعت گاز به سرمایه‌گذاری در ۸ سال آینده خبر داد

هشدار رسمی برای گاز

شرق: نزدیک به ۲۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌باز نیاز است تا ایران در هشت سال آینده تبدیل به واردکننده گاز نشود. این واقعیت بغرنجی است که جواد اوچی، وزیر نفت هم به آن اشاره کرده است. مالک بزرگ‌ترین میدان گازی جهان حالا در روزگار سخت تحریم و در غیاب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی روز دنیا به زحمت می‌تواند نیاز گازی بازار داخلی خود را تأمین کند.

پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گازی جهان نتوانسته است مانع کسری گاز در ایران شود. ایران از بزرگ‌ترین میدان گازی جهان چیزی حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز برداشت می‌کند و این رقم کمتر از نیاز بازار داخلی است؛ نیازی که البته سال به سال تشدید می‌شود.

یادداشت

خوانش‌ها و تفسیرهای نواز اعلامیه جهانی حقوق بشر



صالح نیک‌بخت

وکیل دادگستری

همزمانی سالگرد تصویب قانون اساسی ایران (۱۲ آذر ۱۳۵۸) و منشور ملل متحد (م-م-م) و در پی آن تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (ج-ج-ج) در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷)، این حق را به هم‌میهنان یادآوری می‌کند که مفاد اجرانشده و وعده‌های تحقق‌نیافته آن سند معتبر بین‌المللی و این شاخص‌ترین سند ملی ایران (قانون اساسی-ق۱) را به چالش کشیده و درباره آن سؤال کنند؛ چرا این اسناد آن‌گونه که باید اجرا نشد و چگونه بی‌توجهی به آن بخش از این اسناد که با حقوق بنیادین بشر مرتبط است، شرایط بروز چالش‌های سیاسی و اجتماعی کنونی را در ایران فراهم کرد؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر زمانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد که تنها ۵۶ کشور ازجمله ایران به عضویت این نهاد نوینباد درآمده بودند و بدون مخالف، با هشت رأی ممتنع به تصویب کشورهای عضو رسید. طرفه اینکه برخی از کشورها در ۷۷ سال گذشته همواره با این اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر برخورد دوگانه داشته‌و عمدتا از آن برای محکوم‌کردن کشورهای مخالف سیاست‌های حقوق‌بشری خود استفاده می‌کنند. این در حالی است که هرگاه خود این کشورها متهم به نقض اصول مسلم حقوق بشر می‌شوند، اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر را بدون توجه به مفاد ارزنده و جهان‌شمول آن به‌مثابه ابزاری در دست کشورهای استکباری برای مخالفت و محکوم‌کردن خویش قلمداد کرده و اعتبار و اهمیت آن را نادیده می‌گیرند. شایان ذکر است که هشت کشوری که به این سند راهبردی رأی ممتنع دادند، غالبا همان کشورهایی هستند

در سال ۹۹ وزارت نفت کسری گاز فصول سرد را حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ میلیون مترمکعب برآورد کرد که در سال ۱۴۰۰ به حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب رسید و حالا کسری گاز فصول سرد سال جاری بین ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود. جواد اوچی، وزیر نفت سال گذشته درباره علت کسری گاز به رشد ۱۰درصدی مصرف و عقب‌ماندگی تولید از مصرف اشاره کرده بود. امسال هم کسری گاز تصاعدی بوده و بنا بر اعلام جلال نورموسوی، مدیر گازرسانی شرکت ملی گاز ایران، روزانه ۲۵۰ میلیون مترمکعب کسری گاز در کشور وجود دارد. در حال حاضر ۷۵ درصد از انرژی مصرفی کشور از طریق گاز تأمین می‌شود. ۳۷ درصد از متوسط سالانه گاز کشور در بخش خانگی و تجاری، ۳۳ درصد نیروگاهی و ۳۰ درصد باقی‌مانده در بخش صنایع و حمل‌ونقل مصرف می‌شود.

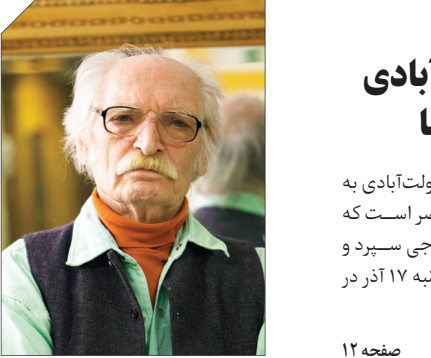
این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

یادداشتی از محمود دولت‌آبادی

به یاد رفته و دوستداری آشنا

آنچه در پی می‌آید، پیام تسلی و سلام محمود دولت‌آبادی به خانواده زنده‌یاد مفتون امینی، شاعر پُرآوازه معاصر است که محمود دولت‌آبادی آن را به مهدی مظفری‌ساوجی سپرد و قرار بود در مراسم یادبود این شاعر -که روز پنجشنبه ۱۷ آذر در سالن همایش رعد برگزار شد- قرائت شود.

صفحه ۱۲



صفحه ۱۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: رستم قاسمی درگذشت، سماک و پیراهن فوتبالیست‌ها، تغییر نقشه ساخت‌وساز تهران، ساز همیشه ناکوک هوای پایتخت و یادداشت‌هایی از کورش الماسی، محمود فاضلی

گزارشی از واکنش‌ها

به اجرای یک حکم اعدام

● چالش‌هایی برای سرعت اجرای حکم

● اعدام محسن شکاری و ماجراهای دیپلماسی

۳ و ۸

در گفت‌وگو با نماینده دولت و نمایندگان مجلس بررسی شد

حکمرانی نو

از وعده تا عمل

۲



گفت‌وگوی با مدیرعامل خانه‌امن «آتنا»

کودک همسری مصداق بارز

آزار کودک است

۶

انگلیس – فرانسه

در حد فینال

۹

یادداشت

همه ضرر کردیم



مهرداد احمدی‌شبخانی

احتمالا بسیاری از کسانی که این یادداشت را می‌خوانند، تاکنون با اتوبوس مسافرت کرده‌اند. معمولا چنین است که رانندگان اتوبوس برای خود مجموعه‌ای از گزیده‌ترانه‌ها دارند که در طول سفر گوش می‌دهند. اگر شما هم گاهی مسافر صندلی پشتی راننده شده‌اید، این ترانه‌ها را در طول مسیر شنیده‌اید و ممکن است از بعضی از آنها خوشتان آمده باشد و از برخی از آنها هم نه. حال فرض کنید مسافر اتوبوسی هستید و جایتان هم در صندلی پشتی راننده است و همه ترانه‌ها هم دقیقا همان‌هایی که شما دوست دارید و تک‌تک آهنگ‌ها، عین خواسته شما باشد. آیا در این صورت می‌توانید بگویید چنین سفری دقیقا همان سفر ایدئال شما بوده؟ فرض کنید از تهران به آبادان مسافر باشید و در همین اتوبوسی که مثال زدم مسافر باشید، چه چیزی، این مسافرت را برای شما مطلوب می‌کند؟ فقط همین ترانه‌هایی که باط طبع شماست؟ به احتمال زیاد، شما برای یک سفر مطلوب، به مواردی غیر از اینس ترانه‌ها هم اهمیت می‌دهید. مثلا اگر صندلی شما خراب باشد و نتوانید برای استراحت، پشتی آن را ببخوابانید، یا هوای داخل اتوبوس بسیار گرم یا خیلی سرد باشد، یا راننده خیلی بد رانندگی کند، یا در تمام طول مسیر، اتوبوس هیچ‌جا توقف نکند تا بتوانید فضای حاجت کنید و چیزی برای خوردن بگیرید، یا هوای داخل اتوبوس بوی بدی بدهد، یا شاگرد راننده اصلا از مسافران پذیرایی نکند و حتی چکه‌ای آب به دست آنها ندهد و بسیاری موارد دیگر. همان‌طور که می‌دانید، همه اینها برای یک سفر مطلوب با اتوبوس اهمیت دارد و خوبی یا کم‌سفر فقط در ترانه‌های دوست‌داشتنی راننده نیست و آن مهم‌تر، وقتی سفر با اتوبوس مطلوب است که برانند همه این موارد از یک حدی بالاتر باشد و قضاوت در مورد سفر به برابند این موارد برمی‌گردد و البته این همه ماجرا نیست. شاید تاکنون سفر در آستانه ایام تعطیل را هم تجربه کرده باشید که هیچ وسیله‌ای برای سفر گیر نمی‌آید و شده حتی اصطلاحا به نشستن روی بوفه هم رضایت داده‌اید. در چنین وضعیتی، وقتی با کلی خواهش و تمنا، بالاخره روی بوفه جایی گیرتان می‌آید، ابتدا خیلی هم راضی هستید ولی به مرور در طول سفر شاکمی می‌شوید و شاید یادتان می‌رود که همین نشستن روی بوفه را با چه مکافاتی به‌دست آورده‌اید. نمی‌گویم که حق‌تان نیست جای بهتری برای نشستن در طول سفر داشته باشید، یا حتی نمی‌گویم قدرشناس همین بوفه باشید، بلکه می‌گویم یادمان می‌رود که از چه وضعیتی به شرایط روی بوفه رسیدیم. همه این مقدمه را گفتم تا به موضوع اصلی برسم. در ماجرای دولت اصلاحات، ما با هر دو موضوع بالا روبه‌رو بودیم.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۷